

تحلیل ویژگی‌های نظام شهری منطقه آذربایجان با تأکید بر تأثیرات تمرکز اقتصادی کلانشهر تبریز

محمدرضا پورمحمدی^۱؛ رسول قربانی^۲
نادر زالی^۳؛ صمد حکمتی فرید^۴

چکیده

امروزه جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه بسیار سریع‌تر از کشورهای پیشرفته رو به افزایش است و جهان در مسیری قرار گرفته که روند آن حاکی از تبدیل زمین به یک سیاره شهری است و انتظار می‌رود به تدریج جامعه روستایی در آینده نزدیک به یک اقلیت کوچک تبدیل شود. به رغم وجود اشکال گوناگون شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، عناصری مانند ناهماهنگی رشد جمعیت شهرنشین با توسعه سطح تولیدات کشاورزی و مکانیزاسیون، رشد سریع جمعیت شهرنشین ناشی از وضع بد اقتصادی روستاها و توزیع نامناسب نظام شهری در میان آنها مشترک است. بدین گونه که معمولاً یک شهر بزرگ که اندازه آن گاهی تا چند برابر اندازه شهر دوم است، شکل می‌گیرد که فعالیت‌های اقتصادی اصلی کشور در آن متمرکز است؛ بدین ترتیب می‌توان ویژگی‌های مذکور را برای کشوری همانند ایران نیز در نظر گرفت. کشور ایران نظیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه با مشکل تمرکز جمعیت و فعالیت‌ها در چند نقطه روبه‌رو است. منطقه آذربایجان شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل به عنوان یک منطقه همگن اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور، با مسائلی همچون مهاجرت شدید روستا - شهری، تخلیه آبادی‌ها، پراکندگی سکونت‌گاه‌ها و نارسایی توزیع تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، گسستگی فضاهای زیست و فعالیت، عدم یکپارچگی فضایی و عدم وجود سلسله مراتب سکونت‌گاهی منظم و کارآمد در شبکه سکونت‌گاهی خود دست به گریبان است که در این مقاله به بررسی ابعاد مختلف آن پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: آذربایجان، نظام شهری، کلانشهر تبریز، تمرکز اقتصادی و اجتماعی.

۱- استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز. Email: pourmohammadi@tabrizu.ac.ir

۲- استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز.

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تبریز.

۴- کارشناس ارشد علوم اقتصادی.

مقدمه

در نیمه دوم قرن بیستم رشد سریع جمعیت و تمرکزهای فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری، عمده‌ترین بحث سیاست‌های جمعیتی در کشورهای مختلف بود. امروزه بخش عمده‌ای از مردم جهان در شهرها ساکن‌اند. اگر چه پدیده شهرنشینی در تاریخ سکونت بشر، همیشه با روندی رو به رشد ادامه داشته ولی اکنون شهرنشینی به مرحله‌ای رسیده است که می‌توان گفت شیوه عمومی و غالب اسکان بشر است (پورمحمدی، ۸۵؛ امکچی، ۸۳).

جریان شهری شدن در کشورهای توسعه یافته، با اینکه در دوره صنعتی شدن غرب بسیار پرشتاب طی شده اما به دلیل شکل‌گیری در دوره‌ای نسبتاً طولانی، امکان مداخله خردمندان در ساماندهی به موقع و پیشگیری از بروز تبعات رشد شتابان به این کشورها داده است؛ چنانکه در این کشورها علاوه بر دستیابی به مجموعه‌هایی غنی و عالمانه از مباحث نظری درباره شبکه سکونت‌گاهی و نظام شهری، تجربه‌های بسیار ارزشمندی هم از شیوه‌های اجرایی ساماندهی شبکه سکونت‌گاهی شهر اندوخته‌اند. در این میان سرعت و شیوه رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه، موضوعی است که چهره سکونت‌گاه‌های شهری را متحول و متفاوت از کشورهای توسعه یافته، شکل داده است.

امروزه در کشورهای در حال توسعه؛ شهرهای بزرگی به وجود آمده‌اند که باید آنها را ابرشهرهای قرن ۲۱ نامید. بازتاب طبیعی آن بروز مشکلاتی نظیر تسلط شهری، تمرکز فعالیت‌ها و خدمات، عدم تعادل در نظام سلسله مراتب شهری، کمبود مسکن و حاشیه‌نشینی است. یکی از بارزترین این مشکلات، توزیع نامناسب

نظام شهری است که عمدتاً بر پایه تمرکز فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در یک شبکه شهری بزرگ اتفاق می‌افتد. در ایران شاهد رشد سریع جمعیت شهرنشین کشور در دهه‌های اخیر (۸۵-۵۵) بوده‌ایم. رشد شتابان شهرنشینی در کشور در طی سه دهه اخیر به گونه‌ای صورت پذیرفته که فاصله جمعیت کلانشهرها با شهرهای متوسط و کوچک روز به روز افزایش یافته و نظام توسعه شهری کشور را با مشکلات و تنگناهای عدیده‌ای رو به رو ساخته است (زالی، ۷۹، ص ۱۷).

به دنبال اصلاحات ارضی و افزایش درآمد نفت، سیاست‌های دولت بیش از هر عامل دیگری بر توزیع جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی مؤثر بوده است. تمرکزگرایی فرتوت و اداره کشور با روش دستور از بالا به پایین، موجب شکاف در تعادل منطقه‌ای و شهری کشور شد (Sharbatoghlie, 1991, P.57).

سیاست رشد اقتصادی با هدف بالابردن تولید ناخالص ملی GNP در برنامه‌های توسعه قبل از انقلاب، نهایتاً موجب تمرکز صنایع جدید در اطراف شهرهای بزرگ، به خصوص تهران شد و به سرعت موجب تشدید نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی در مقیاس شهری، منطقه‌ای و ملی شد (Amirahmadi H. 1990, P16).

براساس آمار سازمان ملل متحد، تهران که در سال ۱۳۶۰ تقریباً بیست و هشتمین شهر بزرگ دنیا بوده، در سال ۱۳۸۰ تبدیل به هشتمین شهر بزرگ دنیا شد. نکته قابل توجه اینکه شهر لندن در سال ۱۹۶۱ بعد از نیویورک دومین شهر پرجمعیت جهان بود ولی در سال ۲۰۰۱ جزء ۲۵ شهر اول جهان از نظر جمعیت قرار نداشت. شهر مکزیکویستی که در سال ۱۹۶۱ شهر پانزدهم و در سال ۱۹۸۰

شهر سوم بوده، در سال ۲۰۰۱ شهر اول جهان از نظر جمعیت گشت یعنی ظرف ۴۰ سال، ۱۵ مرتبه ترقی کرده است؛ در حالی که تهران ظرف مدت ۲۰ سال ۲۰ مرتبه افزایش پیدا کرده است (کامروا، ۱۳۸۵، ص ۸۰).

تحولات نظام شهری ایران

آمارهای جمعیتی نیم قرن گذشته کشور، نشان‌دهنده نقش غالب شهر تهران و چند شهر عمده بخصوص اصفهان، مشهد، شیراز و تبریز در نظام شهری کشور است. روند روبه رشد شهرنشینی در دهه‌های اخیر، همگام با مهاجرت‌های شدید روستا - شهری و همزمان با سیر تحولات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی از مهم‌ترین عوامل ایجاد الگوی نامتوازن نظام شهری در ایران بوده و تجمع و تمرکز جمعیت و فعالیت‌های مهم اقتصادی در چند قطب عمده، باعث شکل‌گیری آرایش فضایی ویژه‌ای گردیده که مویده حاکمیت پدیده ماکروسفالی بر نظام شهری ایران است. طی دهه‌های ۵۵-۸۵ به تدریج اندازه کلانشهرها و قطب‌های عمده بزرگ‌تر و بر تعداد شهرهای کوچک بیشتر شده و میزان جمعیت‌پذیری شهرهای میانی و کوچک کاهش یافته است. این خلاء سکونتگاهی در نظام سلسله مراتب کشور باعث تعمیق روزافزون شکاف در نظام شهری و گسیختگی شبکه شهری شده و نقش شهرهای میانی و کوچک در ایجاد تعادل عملاً از بین رفته است.

جدول شماره ۱ نقش شهر تهران را در نظام شهری ایران در نیم قرن گذشته نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های ۶ سرشماری گذشته مرکز آمار ایران، شهر تهران در سال ۱۳۳۵ به تنهایی ۲۵ درصد از جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده بود که این نسبت در سال ۱۳۴۵ به ۲۷,۵ درصد و در سال ۱۳۵۵ که نقطه اوج

تمرکز جمعیت در شهر تهران بود به ۲۸,۴ درصد رسید. از این مقطع به بعد با کاهش تدریجی این نسبت، در سال ۱۳۶۵ این نسبت به ۲۲,۴ درصد، در سال ۱۳۷۵ به ۱۷,۷ درصد و در سرشماری اخیر سال ۱۳۸۵ به ۱۶,۲ کاهش پیدا کرد. اگرچه در سرشماری اخیر این نسبت به صورت قابل توجهی کاهش یافته، لیکن هنوز هم اختصاص این سهم برای یک شهر در نظام شهری بسیار نامطلوب است.

جدول (۱) وزن جمعیتی شهر تهران در نظام شهری کشور در نیم قرن اخیر

سال	تعداد شهر	جمعیت بزرگترین شهر (میلیون نفر)	نام بزرگترین شهر	درصد از کل جمعیت شهری کشور
۱۳۳۵	۱۹۹	۱/۵	تهران	۲۵ درصد
۱۳۴۵	۲۶۷	۲/۷	تهران	۲۷/۵ درصد
۱۳۵۵	۳۷۲	۴/۵	تهران	۲۸/۴ درصد
۱۳۶۵	۴۹۶	۶	تهران	۲۲/۴ درصد
۱۳۷۵	۶۱۲	۶/۵	تهران	۱۷/۷ درصد
۱۳۸۵	۱۰۱۵	۷/۸	تهران	۱۶/۲ درصد

منبع: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵

چگونگی شکل‌گیری فضایی شبکه شهری در یک منطقه یا یک کشور، متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی و جغرافیایی منطقه است. رشد جمعیت شهری در اوایل قرن حاضر شمسی شتابان نبود؛ به طوری که جمعیت کل کشور در سال ۱۳۰۰ برابر ۹,۷ میلیون نفر بوده است که ۲,۷ میلیون نفر را جمعیت شهری و ۶,۹ میلیون نفر را جمعیت روستایی تشکیل می‌داده است. روند شهرنشینی در این دوره، به صورت بطئی بود؛ به طوری که در سال ۱۳۲۰ از مجموع ۱۲,۸ میلیون نفر جمعیت کل کشور حدود ۳,۷ میلیون نفر شهری و ۹,۱ میلیون نفر روستایی بوده‌اند

و درصد شهرنشینی ۲۹,۴ درصد بوده است. این جمعیت در سال ۱۳۳۰ با نرخ رشدی متوسط سالانه معادل ۲,۷۸ به ۱۶,۲ میلیون نفر رسید (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

در واقع رشد شتابان شهرنشینی در ایران از دهه ۱۳۳۰ آغاز گردید و تفکر اصلاحات ارضی از اواسط دهه ۱۳۳۰ موجب فروپاشی روابط سنتی تولید در روستا و افزایش روند شهرنشینی شد. در این دوره به دنبال ملی شدن صنعت نفت ایران، توسعه شهرها، فراتر از مازاد نیروی انسانی روستایی بود با اتکاء به درآمدهای حاصل از صادرات نفت باعث جذب جمعیت رانده شده از نقاط روستایی به شهرها گردید و موجب رشد و توسعه ناموزون شهرها و افزایش بیکاری در جامعه شهری شد (اعتماد، ۸۵، ص ۳).

در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ جمعیت کشور با سرعت رشد متوسط سالانه معادل ۳,۱۳ درصد از ۱۸/۹ میلیون نفر در سال ۳۵، به بیش از ۲۵ میلیون نفر در سال ۴۵ افزایش پیدا کرد. در دهه ۴۵-۵۵ جمعیت کشور با میزان رشد ۲,۷۱ از مرز ۳۳ میلیون نفر گذشت که تقریباً افزایش دو برابری جمعیت را در پی داشت. در این دهه جمعیت شهری نیز با سرعت رشد ۴,۹۱ درصدی به بیش از ۱۵,۸ میلیون نفر رسید. در دهه ۶۵-۵۵ با افزایش نرخ رشد جمعیت به ۳,۹۱ درصد و سرعت رشد جمعیت شهری به رقم فوق‌العاده ۵,۴۱ درصد، جمعیت کشور به بیش از ۴۹,۴ میلیون نفر افزایش پیدا کرد و جمعیت شهری کشور نیز از مرز ۲۶,۸ میلیون نفر گذشت. در دهه ۷۵ و ۸۵ اگرچه کشور با کاهش شدید نرخ رشد جمعیت روبه‌رو بود ولی انبوه جمعیت جوان متولد دهه‌های ۵۵ و ۶۵، جمعیت کشور را به بیش از ۶۰ میلیون در سال ۷۵ و بیش از ۷۰ میلیون در سال ۸۵ رساند. این در حالی

است که جمعیت شهری به ۳۶,۸ میلیون نفر در سال ۷۵ و ۴۸,۲ میلیون نفر در سال ۸۵ افزایش پیدا کرده است.

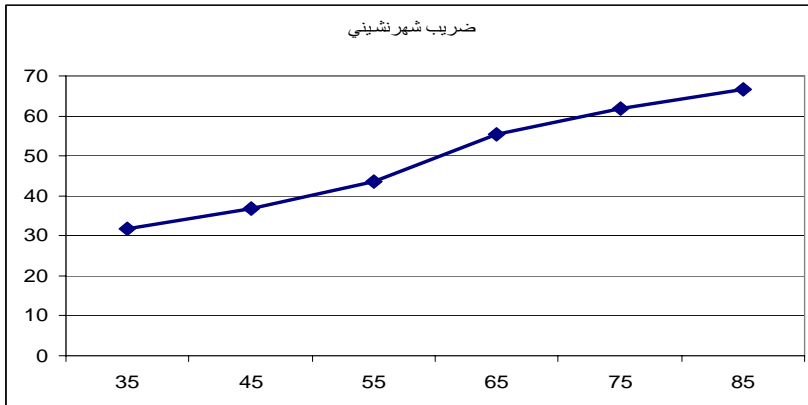
جدول (۲) تحولات جمعیت کشور در نیم قرن گذشته (هزار نفر)

تغییرات میزان شهرنشینی	رشد دهه		درصد شهرنشینی	جمعیت		سال
	جمعیت شهری	جمعیت		جمعیت شهری	جمعیت	
-	-	-	۳۱/۷	۶۰۰۲	۱۸۹۵۸	۳۵
۵/۱	۵/۰۱	۳/۱۳	۳۶/۸	۹۷۹۰	۲۵۷۸۸	۴۵
۶/۸	۴/۹۴	۲/۷۱	۴۳/۶	۱۵۸۵۵	۳۳۷۰۸	۵۵
۱۱/۸۸	۵/۴۱	۳/۹۱	۵۵/۴۸	۲۶۸۴۸	۴۹۴۴۵	۶۵
۶/۳۲	۳/۲۱	۱/۹۶	۶۱/۸	۳۶۸۱۶	۶۰۰۵۵	۷۵
۴/۸	۲/۷۴	۱/۶۱	۶۶/۶	۴۸۲۴۵	۷۰۴۷۲	۸۵

منبع آماری: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶

به تبع این تحولات ضریب شهرنشینی از ۳۱,۷ درصد در سال ۳۵ به بیش از ۳۶,۸ درصد در سال ۴۵؛ ۴۳,۶ درصد در سال ۵۵؛ ۵۵,۴ درصد در سال ۶۵؛ ۶۱,۸ درصد در سال ۷۵ و ۶۶,۶ درصد در سال ۸۵ رسیده است. نکته مهم اینکه در طی ۵۰ سال گذشته، در حالی که درصد شهرنشینی در کشور به بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده جمعیت کشور حدود ۴ برابر و جمعیت شهری کشور حدود ۸ برابر افزایش یافته است.

نمودار (۱) تغییرات ضریب شهرنشینی کشور در نیم قرن گذشته



تحلیل تحولات نظام سلسله مراتب شهری در منطقه آذربایجان

نکته مهمی که به نظر می‌رسد در تحلیل سلسله مراتب شهری بایستی مورد توجه قرار گیرد، توجه به ابعاد منطقه‌ای نظام شهری و نقش کلانشهرها در مقیاس منطقه‌ای است. منطقه به یک محدوده جغرافیایی اطلاق می‌شود که از نظر ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشترک بوده، از یک ساخت همگن برخوردار باشد. (معصومی اشکوری، ۷۶). بر همین اساس در اکثر مطالعات منطقه‌ای و محیطی، منطقه آذربایجان به عنوان یک منطقه همگن مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است در این پژوهش نیز، نظام سلسله مراتب شهری در منطقه آذربایجان مورد بحث قرار می‌گیرد.

بر اساس آخرین آمار ارائه شده از طرف مرکز آمار ایران، در سال ۸۵ در منطقه شمالغرب کشور، ۱۱۵ شهر با جمعیت حدود ۴/۸ میلیون نفر وجود داشته که بخش عمده‌ای از این شهرها (۶۹ شهر) دارای جمعیت زیر ۱۰ هزار نفر بوده‌اند. در

صورتی که شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر این منطقه تنها ۳ شهر، یعنی مراکز سه استان آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل بوده است. از طرف دیگر، شهرهای میانی سلسله مراتب این منطقه به نسبت تعداد کل شهرهای منطقه بسیار کم و به ۶ شهر محدود می‌شود تحلیل داده‌های جدول شماره ۳ حاکی است که این شهرها نیز نتوانسته‌اند با تأثیرگذاری بر سیستم شهرها در تعادل فضایی منطقه تأثیر مناسبی بگذارند.

همان طور که در جدول (۳) آمده است، نظام شهری منطقه شمالغرب کشور در سطوح ۷ و ۸ دارای خلا سکونت‌گاهی است. اگر چه در سایر طبقات جمعیتی نیز ضعف‌هایی وجود دارد ولی ضعف واقع در سطوح فوق بر عدم تعادل نظام شهری تأثیر فراوان گذاشته است. در این طبقات تعداد مناسبی از شهرها برای ایجاد تعادل شکل نگرفته یا شهرهایی با جمعیت پایین‌تر نتوانسته‌اند در طول سال‌های گذشته با ارتقای نقش و کارکرد خود به سطوح بالاتر عملکردی ارتقا یابند از طرف دیگر، مروری کلی بر روند تحولات جمعیتی شهرها در طبقات جمعیتی از سال ۳۵ تا ۸۵ (جدول شماره ۳) اگرچه حاکی از نامناسب بودن توزیع جمعیت، بین طبقات جمعیتی شهرهاست، ولی در عین حال روند جمعیت‌پذیری شهرها آرام آرام به سمت کاهش شکاف بین طبقات جمعیتی پیش می‌رود.

جدول (۳) طبقه‌بندی اندازه شهرهای منطقه آذربایجان در سال‌های ۳۵-۱۳۸۵

۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵		۱۳۴۵		۱۳۳۵		طبقات
تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	تعداد	جمعیت	
۴۱	۱۱۸۵۵۵	۱۱	۳۸۹۶۰	۹	۳۵۶۵۰	—	—	۲	۷۹۹۰	۲	۷۲۹۸۰	کمتر از ۵ هزار نفر
۲۸	۲۰۱۱۲۶	۲۳	۱۶۴۱۰۰	۱۵	۱۱۱۱۵۷	۲۲	۱۴۹۶۲۴	۱۶	۱۱۲۰۸۸	۱۱	۶۷۷۵۵	۵-۱۰ هزار نفر
۱۷	۲۷۲۱۰۶	۱۵	۲۳۵۱۹۷	۱۷	۲۸۰۹۶۰	۱۴	۲۰۶۶۱۰	۹	۱۶۱۰۲۴	۹	۱۴۳۱۹۶	۱۰-۲۵ هزار نفر
۱۱	۳۹۲۸۱۸	۱۱	۳۷۷۴۶۱	۶	۱۹۸۷۷۲	۷	۲۳۲۹۸۳	۳	۱۰۴۷۰۵	۲	۷۱۰۴۲	۲۵-۵۰ هزار نفر
۸	۶۱۲۰۳۴	۸	۵۹۶۶۶۵	۸	۵۰۵۰۷۳	۲	۱۳۵۵۲۹	۲	۱۳۷۷۰۲	۲	۱۳۳۳۴۷	۵۰-۱۰۰ هزار نفر
۶	۸۴۶۸۷۱	۴	۵۰۹۰۸۱	۲	۲۱۶۰۲۲	۲	۳۱۲۲۸۴	۱	۱۱۰۷۴۹	—	—	۱۰۰-۲۵۰ هزار نفر
۱	۴۱۸۲۶۳	۲	۷۷۵۵۸۶	۲	۵۸۲۷۱۹	—	—	۱	۴۰۳۴۱۳	۱	۲۸۹۹۹۶	۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر
۱	۵۸۳۲۵۵	—	—	۱	۹۷۱۴۸۲	۱	۵۹۷۹۷۶	—	—	—	—	۵۰۰-۱۰۰۰ هزار نفر
۱	۱۳۹۸۰۶۰	۱	۱۱۹۱۰۴۳	—	—	—	—	—	—	—	—	میلیون نفر و بیشتر
۱۱۵	۴۸۴۳۰۹۰	۷۵	۳۸۸۸۰۰۹۳	۶۰	۲۹۰۱۸۳۵	۴۸	۱۶۳۵۰۰۶	۳۴	۱۰۳۷۶۷۱	۲۷	۷۱۲۶۳۴	جمع

منبع: سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶

در منطقه آذربایجان، شهر تبریز به عنوان متروپل منطقه‌ای با نقش‌های متعدد فراملی، ملی و منطقه‌ای، نزدیک به ۳۰ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده و در رأس هرم سلسله مراتب مراکز شهری قرار گرفته است؛ در صورتی که در سال ۸۵ تعداد ۴۱ شهر کمتر از ۵ هزار نفر این منطقه تنها حدود

۲/۴ درصد از جمعیت شهری منطقه را در خود جای داده‌اند. همچنین ۲۸ شهر ۱۰-۵ هزار نفری، ۴/۱ درصد و ۱۷ شهر ۲۵-۱۰ هزار نفری، ۵/۶ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه اینکه متوسط جمعیت شهری شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفر این منطقه بسیار پایین و کمتر از ۷۰۰۰ نفر می‌باشد. این در حالی است که ۷۳ شهر زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت در این منطقه وجود دارد.

در نیم قرن گذشته (۱۳۳۵-۱۳۸۵) تحولاتی در توزیع جمعیت شهری منطقه صورت گرفته که تحلیل فرایند این تحولات، حاکی از وجود خلاء سکونت‌گاهی در طبقات جمعیتی شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر در دوره‌های مختلف سرشماری است. به طوری که در سال ۱۳۳۵ با وجود اینکه شهر تبریز از جمعیت بالای ۲۵۰ هزار نفری برخوردار بوده در طبقه ۱۰۰-۲۵۰ هزار نفر شهری وجود نداشته است. از همین سال به تدریج شهر تبریز نقش فرامنطقه‌ای خود را نشان می‌دهد و در دهه‌های بعدی این موضوع آشکارتر می‌گردد. در سال ۱۳۴۵ با افزایش جمعیت ارومیه و تقویت منطقه‌ای آن خلاء سکونت‌گاهی طبقه ۱۰۰-۲۵۰ هزار مرتفع گشته و در این سال، به دلیل وجود شهر تبریز در طبقه جمعیتی ۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر، تعادل نسبی از سلسله مراتب شهری در شهرهای زیر ۵۰۰ هزار نفر شکل گرفته است. در سال ۱۳۵۵ با افزایش سریع جمعیت تبریز، این شهر به طبقه شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر ارتقاء پیدا می‌کند در حالی که به دلیل ناتوانی سایر شهرهای بزرگ منطقه جهت جایگزینی، خلا سکونت‌گاهی دیگری در طبقه جمعیتی ۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر ایجاد گردیده است. در سال ۶۵ با افزایش جمعیت شهرهای ارومیه و اردبیل خلا مذکور مرتفع می‌شود و دوباره نظام سلسله مراتب

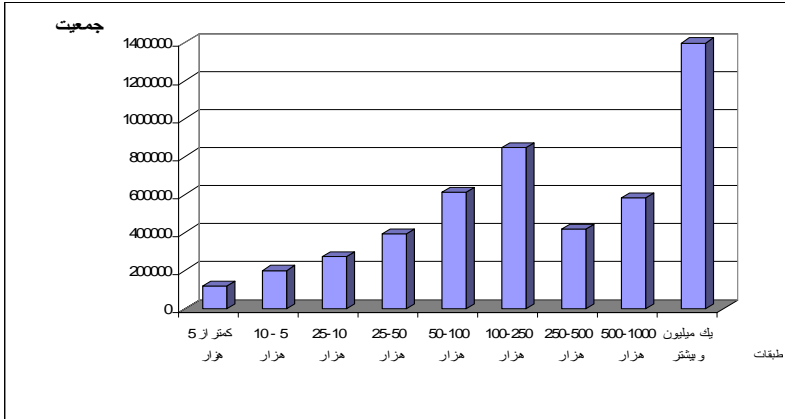
شهری منطقه به سمت تعادل نسبی سوق پیدا می‌کند. در سال ۷۵ با افزایش جمعیت شهر تبریز و صعود به طبقه شهرهای بالای ۱ میلیون نفر، مجدداً به دلیل ضعف نسبی سایر شهرها در جایگزینی، خلاء سکونت‌گاهی دیگری در طبقه شهرهای ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر ایجاد می‌شود که این وضعیت با تحولات جمعیتی سال ۸۵ و جایگزینی شهر ارومیه مرتفع می‌گردد.

هم اکنون بر اساس آخرین آمار و اطلاعات و بررسیهای فوق به شرح جدول ۵، در نیم قرن گذشته سیر تحولات توزیع جمعیت شهری، حاکی از حرکت آرام به سمت کاهش شکاف است که به طور متوسط در هر ۲۰ سال یکی از خلاهای سکونتگاهی طبقات جمعیتی در شبکه شهری از بین رفته است و هم اکنون در صورتی که شهرهای میانی منطقه شامل شهرهای اردبیل، ارومیه و سایر شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر تقویت شوند، انتظار می‌رود در دهه‌های آتی از شدت اختلاف بین طبقات جمعیتی کاسته شود.

جدول (۴) سلسله مراتب نظام شهری منطقه شمالغرب کشور در سال ۸۵

ردیف	مقیاس جمعیتی شهرها	جمعیت	درصد از کل	تعداد شهر	متوسط جمعیت هر شهر
۱	کمتر از ۵ هزار نفر	۱۱۸۵۵۵	۲/۴	۴۱	۲۸۹۱
۲	۵ - ۱۰ هزار نفر	۲۰۱۱۲۶	۴/۱۵	۲۸	۷۱۸۳
۳	۱۰ - ۲۵ هزار نفر	۲۷۲۱۰۹	۵/۶	۱۷	۱۶۰۰۶
۴	۲۵ - ۵۰ هزار نفر	۳۹۲۸۱۸	۸/۱۱	۱۱	۳۵۷۱۰
۵	۵۰ - ۱۰۰ هزار نفر	۶۱۲۰۳۴	۱۲/۶۳	۸	۷۶۵۰۴
۶	۱۰۰ - ۲۵۰ هزار نفر	۸۴۶۸۷۱	۱۷/۴	۶	۱۴۱۱۴۵
۷	۲۵۰ - ۵۰۰ هزار نفر	۴۱۸۲۶۲	۸/۶۳	۱	۴۱۸۲۶۲
۸	۵۰۰ - ۱۰۰۰ هزار نفر	۵۸۳۲۵۵	۱۲/۰۴	۱	۵۸۳۲۵۵
۹	یک میلیون و بیشتر	۱۳۹۸۰۶۰	۲۸/۸	۱	۱۳۹۸۰۶۰
	جمع کل	۴۸۴۳۰۹۰	۱۰۰	۱۱۵	۴۸۴۳۰۹۰

منبع: مطالعات آمایش استان آذربایجان شرقی، معاونت برنامه‌ریزی، ۸۶



نمودار شماره (۲) جمعیت شهرهای منطقه آذربایجان به تفکیک طبقات در سال ۸۵

نکته مهمی که در فضای منطقه آذربایجان قابل بحث است، نقش شهر تبریز به عنوان یک شهر فرامنطقه‌ای است که تاکنون با جذب بخش عمده‌ای از امکانات و خدمات منطقه، تمرکز شدیدی از جمعیت و فعالیت‌ها را نیز به خود اختصاص داده است. این تمرکز از نظر آماری نزدیک به ۳۰ درصد کل جمعیت شهری منطقه می‌باشد. به عبارت دیگر، یکی از عوامل موثر ایجاد بی‌نظمی در فضای منطقه آذربایجان، گسترش حوزه نفوذ شهر تبریز، عملکردهای فرامنطقه‌ای و تمرکز فعالیت‌ها در آن است.

تحلیل نقش و تاثیر منطقه‌ای کلانشهر تبریز

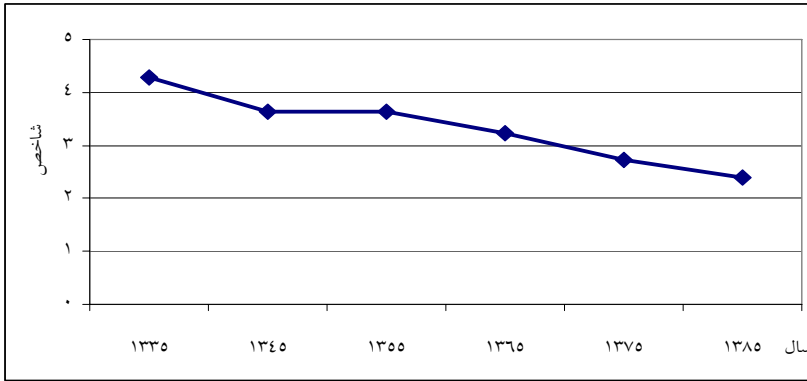
همان طوری که در مباحث قبلی نیز ذکر گردید، شهر تبریز دارای کارکردها، نقش‌ها و تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در شبکه شهری منطقه آذربایجان بوده است یکی از نقش‌های منفی کلانشهر تبریز تمرکز شدید فعالیت‌ها و جمعیت در

آن است که روزبه‌روز بر میزان آن افزوده شده و فارغ از مسائل کلانشهرها همانند حاشیه‌نشینی، کمبود مسکن، ترافیک، آلودگی، ناهنجاری‌های اجتماعی و... در نظام شهری منطقه نیز اخلاص ایجاد می‌کند.

تحلیل شاخص نخست شهری در فضای منطقه آذربایجان، بیانگر کاهش تدریجی حاکمیت پدیده ماکروسفالی در نیم قرن گذشته بر گستره آذربایجان است. در سال ۱۳۳۵ تبریز به عنوان بزرگ‌ترین شهر منطقه شمالغرب کشور بوده و ارومیه دومین شهر بزرگ منطقه بوده است. در این سال شاخص ماکروسفالی معادل ۴,۲۹ بود که رقم بسیار بالایی است. در سال‌های بعدی این شاخص به ۳,۶۴ در سال ۴۵؛ ۳,۶۳ در سال ۵۵؛ ۳,۲۳ در سال ۶۵؛ ۲,۷۳ در سال ۷۵ و نهایتاً ۲,۳۹ در سال ۸۵ کاهش پیدا کرده است که حاکی از کاهش تمرکز تبریز و افزایش تدریجی قدرت و نفوذ شهرهای میانی منطقه است. انتظار می‌رود با روند فعلی حداکثر در دو دهه آینده از شدت پدیده نخست شهری در منطقه کاسته شود.

جدول (۵) شاخص نخست شهری در شبکه شهری منطقه آذربایجان در سال‌های ۱۳۱۵-۳۵

سال	جمعیت نخستین شهر	نام شهر	جمعیت دومین شهر	نام شهر	شاخص ماکروسفالی
۱۳۳۵	۲۸۹۹۹۶	تبریز	۶۷۶۰۶	ارومیه	۴,۲۹
۱۳۴۵	۴۰۳۴۱۳	تبریز	۱۱۰۷۴۹	ارومیه	۳,۶۴
۱۳۵۵	۵۹۷۹۷۶	تبریز	۱۶۴۴۱۹	ارومیه	۳,۶۳
۱۳۶۵	۹۷۱۴۸۲	تبریز	۳۰۰۷۴۶	ارومیه	۳,۲۳
۱۳۷۵	۱۱۹۱۰۴۳	تبریز	۴۳۵۲۰۰	ارومیه	۲,۷۳
۱۳۸۵	۱۳۹۸۰۶۰	تبریز	۵۸۳۲۵۵	ارومیه	۲,۳۹



نمودار (۳) تغییرات شاخص نخست شهری در منطقه آذربایجان در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۸۵

روند کاهش‌ی شاخص Primate city - که نشان‌دهنده میزان حاکمیت پدیدهٔ ماکروسفالی بر فضای جغرافیایی منطقه است - بیانگر روند مثبت تعدیل فضایی در دهه‌های اخیر است. شکاف بین سلسله مراتب شهری در تمام سطوح در سال‌های ۳۵-۵۵ بسیار زیاد بوده، به تدریج و با گذشت زمان، با اعمال سیاست‌های جمعیتی مانند کنترل مولید، جلوگیری از مهاجرت‌های روستا - شهری و برنامه‌های دولت در راستای ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای، شکاف سلسله مراتبی در فضای مناطق روند کاهش‌ی داشته است.

اگرچه شاخص فوق نشان‌دهنده کاهش تدریجی ویژگی ماکروسفالی است ولی این کاهش تا حدودی هم متأثر از تقویت سایر شهرهای بزرگ منطقه نیز هست که با تحلیل حوزه نفوذ و تعیین نقطه جدایی در نیم قرن گذشته به وضوح می‌توان در این خصوص نتیجه مستندی را ارائه داد.

شهر تبریز به عنوان تنها شهر میلیونی شمالغرب کشور، به واسطه سابقه تاریخی و موقعیت جغرافیایی، نقش مهمی در مسائل اقتصادی - اجتماعی منطقه داشته است. بررسی حوزه نفوذ منطقه‌ای این شهر نشان می‌دهد که در برخی مقاطع زمانی، مرزهای نفوذ آن حتی تا مراکز استان‌های همجوار گسترش یافته و روز به روز به دلیل استفاده از توان‌های بالقوه محیطی، اجتماعی و حتی سیاسی بر حوزه نفوذ آن افزوده می‌شود ولی در دهه‌های اخیر سیر نزولی و کاهش این حوزه آغاز شده است (پورمحمدی، ۱۳۸۵).

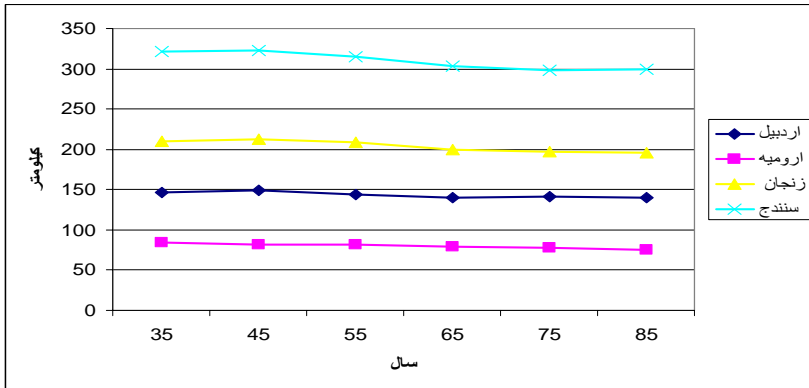
بررسی تحولات حوزه نفوذ شهر تبریز در محور شمالشرق (تبریز اردبیل) نشان می‌دهد که در سال ۳۵ از کل فاصله ۲۱۶ کیلومتری این محور، ۱۴۶ کیلومتر؛ یعنی ۶۷٫۷ درصد تحت نفوذ و تاثیر کلانشهر تبریز بوده که این مقدار در سال ۴۵ با افزایش توان کلانشهر تبریز به ۱۴۸ کیلومتر و ۶۸٫۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. از سال ۵۵ به بعد به تدریج حوزه نفوذ این شهر، رو به کاستی گذاشته و در این سال با ۱۴۴ کیلومتر حوزه نفوذ خود را به ۶۶٫۸ درصد کاهش است. این ارقام در سال‌های ۶۵، ۷۵ و ۸۵ به ترتیب به ۶۵، ۶۵٫۲ و ۶۴٫۶ کاهش پیدا کرده است. تحلیل روندها حاکی از ایفای نقش مناسب اردبیل و تقویت این شهر در دهه‌های اخیر است.

در محور، غرب، ارومیه وضعیت بهتری نسبت به سایر شهرها دارد. در این محور حوزه نفوذ تبریز از ۶۷٫۴ درصد در سال ۳۵ به تدریج به ۶۰٫۸ درصد در سال ۸۵ کاهش پیدا کرده است. در محور شرق، زنجان نیز با تقویت جمعیت‌پذیری، حوزه نفوذ خود را افزایش داده و حوزه نفوذ تبریز از ۷۱٫۳ درصد در سال ۳۵ به ۶۶٫۷ درصد در سال ۸۵ کاهش پیدا کرده است. در محور جنوب نیز

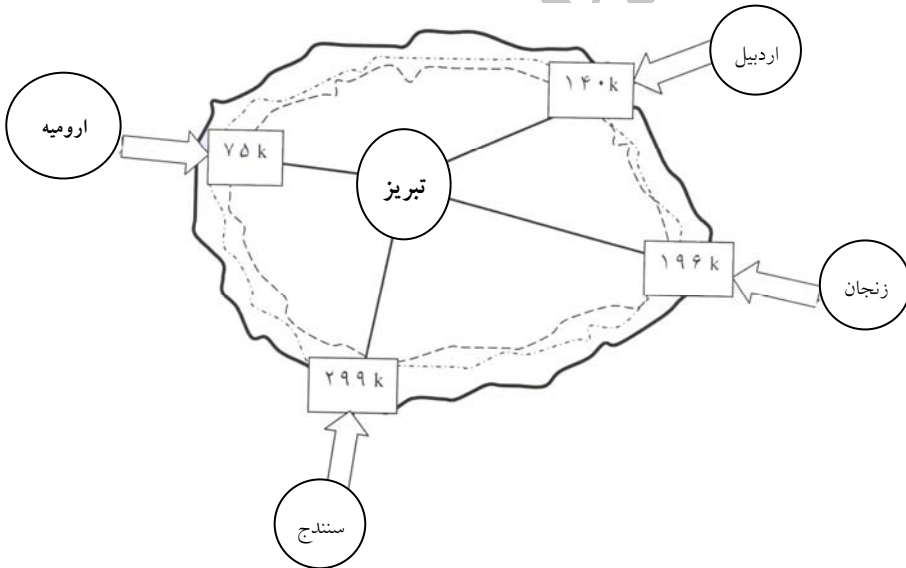
وضعیت به همین منوال است. سنندج نیز سطح جمعیت‌پذیری خود را در دهه‌های قبلی تقویت کرده است و حوزه نفوذ تبریز از ۷۲٫۸ درصد محور در سال ۳۵ به ۶۷٫۶ درصد در سال ۸۵ کاهش پیدا کرده است.

سال	اردبیل (فاصله از تبریز ۲۱۶ کیلومتر)			ارومیه (فاصله از تبریز ۱۲۴ کیلومتر)			زنجان (فاصله از تبریز ۲۹۴ کیلومتر)			سنندج (فاصله از تبریز ۴۴۲ کیلومتر)		
	جمعیت	نقطه جدایی	درصد نفوذ تبریز	جمعیت	نقطه جدایی	درصد نفوذ تبریز	جمعیت	نقطه جدایی	درصد نفوذ تبریز	جمعیت	نقطه جدایی	درصد نفوذ تبریز
۳۵	۶۵۷۴۲	۱۴۶	۶۷/۷	۶۷۶۰۵	۸۴	۶۷/۴	۴۷۱۵۹	۲۱۰	۷۱/۳	۴۰۶۴۱	۳۲۲	۷۲/۸
۴۵	۸۳۵۹۶	۱۴۸	۶۸/۷	۱۱۰۷۴۹	۸۱	۶۵/۶	۵۸۷۱۴	۲۱۳	۷۲/۴	۵۴۵۷۸	۳۲۳	۷۳/۱
۵۵	۱۴۷۸۶۵	۱۴۴	۶۶/۸	۱۶۴۴۱۹	۸۱	۶۵/۶	۱۰۰۳۵۱	۲۰۹	۷۰/۹	۹۵۸۷۲	۳۱۶	۷۱/۴
۶۵	۲۸۱۹۷۳	۱۴۰	۶۵	۳۰۰۷۶۴	۸۰	۶۴/۳	۲۱۵۲۶۱	۲۰۰	۶۸	۲۰۴۵۳۷	۳۰۳	۶۸/۵
۷۵	۳۴۰۳۸۶	۱۴۱	۶۵/۲	۴۳۵۲۰۰	۷۷	۶۲/۳	۲۸۶۲۹۵	۱۹۷	۶۷/۱	۲۷۷۸۰۸	۲۹۸	۶۷/۴
۸۵	۴۱۸۲۶۲	۱۴۰	۶۴/۶	۵۸۲۵۵	۷۵	۶۰/۸	۳۴۹۴۱۳	۱۹۶	۶۶/۷	۳۱۶۸۶۲	۲۹۹	۷۰/۶۷

اطلاعات آماری مربوط به فاصله، برگرفته از طرح آمایش استان آذربایجان شرقی است.



نمودار (۴) تغییرات حوزه نفوذ کلانشهر تبریز بر مراکز استان‌های همجوار در نیم قرن گذشته



نمودار (۵) حوزه نفوذ شماتیک کلانشهر تبریز در سال ۱۳۸۵

نتیجه‌گیری

منطقه آذربایجان در شمال غرب ایران شامل استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل، به عنوان یک منطقه همگن اقتصادی اجتماعی و جغرافیایی شناخته شده و بر اساس نتایج این مطالعه، از شبکه متعادل نظام شهری و سلسله مراتبی سکونت‌گاه‌ها برخوردار نیست. بر اساس آمار سال ۸۵ در این منطقه ۱۱۵ شهر با جمعیتی معادل ۴٫۸ میلیون نفر ساکن هستند که بخش عمده‌ای از آن در کلانشهرهای منطقه سکونت دارند. به عبارت دیگر، تبریز به تنهایی بیش از ۲۸ درصد جمعیت شهری را در خود جای داده است و به همراه شهرهای ارومیه و اردبیل بیش از نیمی از این جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. این امر باعث تمرکز فعالیت‌ها و خدمات در این شهرها و تمایل به مهاجرت ساکنان سایر شهرها به این مراکز شده، که نتیجه آن عدم توازن و تعادل در نظام سلسله مراتبی شهرهاست. این مقاله با تحلیل روندها در جمعیت‌پذیری شهرهای منطقه آذربایجان در نیم قرن گذشته اقدام نموده است و با استفاده از مدل‌های شاخص نخست شهری، حوزه نفوذ و نظام سلسله مراتب سکونت‌گاه‌ها، به نتایج ذیل رسیده است.

- در منطقه شمال غرب کشور ضعف سلسله مراتبی عمدتاً در طبقات جمعیتی شهرهای میانی است؛ به عبارت دیگر، در منطقه تعداد مناسبی از شهرهای ۵۰۰-۲۵۰ هزار نفر و ۱۰۰۰-۵۰۰ نفر وجود ندارد.

- متوسط جمعیت شهرهای زیر ۲۵۰۰۰ نفر منطقه، در حدود ۷۰۰۰ نفر است که از نظر نقش اقتصادی به روستا - شهر نزدیک ترند.

- در طبقات بالای نظام سلسله مراتبی، با وجود رشد سریع و شهرنشینی در تبریز، سایر شهرها رشد مناسبی برای جایگزینی تدریجی با تبریز نداشته‌اند و جایگزینی این طبقات حداقل ۲۰ سال طول کشیده است.

- بر اساس تحلیل روندها انتظار می‌رود ظرف ۲۰ سال آینده، در صورت کنترل رشد و توسعه شهر تبریز و تقویت توسعه شهرهای میانی از شکاف موجود در بین طبقات جمعیتی کاسته شود.

- شاخص نخست شهری در نیم قرن اخیر حاکی از کاهش سریع این پدیده در دهه‌های ۳۵ و ۴۵ و کاهش تدریجی آن در دهه‌های ۵۵ تا ۸۵ است.

- افزایش جمعیت‌پذیری شهرهای ارومیه و اردبیل در دهه‌های (۸۵-۶۵) نقش مهم و مؤثری در کاهش پدیده نخست شهری داشته است و انتظار می‌رود با روند حاضر در دهه‌های آتی این پدیده از نظام شهری منطقه حذف گردد.

بررسی‌های مربوط به حوزه نفوذ کلانشهر تبریز حاکی از کاهش تدریجی این حوزه در طی دهه‌های اخیر است. این کاهش در محور ارومیه- تبریز نمود بیشتری داشته و شهر ارومیه در دهه‌های اخیر ایفاگر نقش مثبت در تعادل شبکه شهری بوده است.

براساس مدل حوزه نفوذ، به طور متوسط ۶۵ درصد محورهای منتهی به مراکز استان‌های همجوار تحت نفوذ کلانشهر تبریز است.

پیشنهادها

- اعمال سیاست‌های تمرکززدایی از کلانشهر تبریز با ایجاد محورهای توسعه بین استان‌های منطقه؛

- تقویت شهرهای بزرگ اردبیل و ارومیه جهت تأثیرگذاری مثبت بر تعادل شبکه شهری؛

- ارتقای نقش و کارکرد شهرهای میانی به خصوص مراغه، مرند، خوی، میاندوآب، مهاباد و بوکان به عنوان رابط فضایی شهرهای کوچک و بزرگ؛

- اعمال سیاست‌های تشویقی برای جلوگیری از مهاجرت روستا - شهری و مهاجرت از شهرهای کوچک به بزرگ.

Archive of SID

منابع

- ۱- اجلالی، پرویز (۱۳۷۳)، *تحلیل منطقه‌ای و سطح‌بندی سکونت‌گاهی*، سازمان برنامه و بودجه.
- ۲- اردشیری، مهیار (۱۳۷۰)، *نقش شهرک‌های جدید در توازن منطقه‌ای*، جزوه درسی بخش برنامه‌ریزی، دانشگاه شیراز.
- ۳- استانداری آذربایجان شرقی، (۱۳۸۶)، *مطالعات آمایش استان*، معاونت برنامه‌ریزی.
- ۴- اعتماد، گیتی؛ محمدرضا حانری و حسامیان؛ فرخ (۱۳۸۵)، *شهرنشینی در ایران*، نشر آگاه.
- ۵- امکچی، حمیده (۱۳۸۳)، *شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی*، مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران.
- ۶- بذرگر، محمدرضا (۱۳۷۶)، *جزوه درسی برنامه‌ریزی منطقه‌ای در ایران*، دانشگاه شیراز.
- ۷- برومند (۱۳۷۱)، *عدم تعادل‌های منطقه‌ای: بازدارنده اصلی توسعه آذربایجان*، سمینار توسعه و آذربایجان.
- ۸- پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۵)، *شبیه‌سازی شبکه شهری مبتنی بر مدل‌های آنتروپی و کشش‌پذیری*، طرح تحقیقاتی، دانشگاه تبریز.
- ۹- زالی، نادر (۱۳۷۹)، *سطح‌بندی توسعه منطقه‌ای*؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ گروه شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز.

- ۱۰- سازمان برنامه و بودجه استان تهران (۱۳۷۶)، کاربرد الگوی کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای در ایران.
- ۱۱- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۳)، تحلیل منطقه‌ای و سطوح‌بندی سکونت‌گاه‌ها، دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- ۱۲- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۴)، طرح پایه آمایش استان آذربایجان شرقی، گزارش تحلیل سازمان فضایی وضع موجود.
- ۱۳- سالنامه آماری کشور، (۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران.
- ۱۴- سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های (۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵)، مرکز آمار ایران.
- ۱۵- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱)، پویش شهرنشینی و مبانی نظام شهری، شهرنشینی، مشهد.
- ۱۶- کامروا، محمدعلی، ۱۳۸۵، مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر ایران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- مرکز آمار ایران (۱۳۸۴)، بازسازی جمعیتی شهرستان‌های استان.
- ۱۸- مرکز مطالعات معماری و شهرسازی (۱۳۷۴)، طرح کالبدی منطقه آذربایجان، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- ۱۹- میسرا، آرپی، برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در جستجوی معنی و مفهوم، مجله برنامه و توسعه، شماره ۱۰.

- 20- Sharbatoghlie, A. (1991), "**Urbanization and Regional Disparities in Post-revolutionary Iran**", West View Press.
- 21- Harry, W. Richardson (1986), "Regional Policy in Developing Countries", **Regional and Urban Economics**, Volume 1.
- 22- Amirahmadi, H. (1990)," **Revolution and Economic Transition, the Iranian Experience**", State University of New York Press, Abany.

Archive of SID